

فرسنگ‌ها تا فرهنگ

نقدی بر فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی

■ صالح طباطبایی

طی پژوهشی دو ساله صورت گرفته است «(ص ۱۷). از فهرست طویل دست‌اندرکاران این فرهنگ‌نامه در صفحه معرفی‌نامه کتاب برمی‌آید که بیش از ۴۵ همکار در تدوین این دو جلد مشارکت داشته‌اند.

در این نوشتار، جلد دوم این مجموعه (در ۶۴۹ صفحه)، که به اعلام (اسامی خاص از الف تا ی) اختصاص یافته و به‌تازگی منتشر شده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مقدمه این جلد می‌خوانیم: «برای اینکه خواننده بتواند به این کتاب به‌منزله ناقل امانت دار مطالب کتاب‌های مرجع اعتماد کند، مطالب کتاب‌ها عیناً در این جا نقل شده و اگر چیزی به آنها افزوده شده باشد، آن افزوده را میان دو قلاب آورده‌ایم... اما در این مجلد، بر خلاف مجلد نخست، گاهی توضیح برخی از مدخل‌ها در برخی از مراجع بسیار مفصل و حاوی مطالب نامربوط بوده است، که آنها را کوتاه و نقل به مضمون کرده‌ایم». سپس خاطر نشان می‌سازد که «خواننده باید توجه کند که برخی از اطلاعاتی که در مراجع آمده و در این جا نقل شده است تنها در زمان تهیه آن مراجع معتبر بوده است و امروز اعتبار ندارد، مانند جمعیت شهرها، نوع محصولات کشاورزی و معیشت غالب مردم شهر و تقسیمات سیاسی کشور. همچنین نام برخی از آثار تغییر کرده است. اگر نام جدید در یکی از مراجع بوده آن را هم آورده و مداخل مربوط یا یکسان را به هم ارجاع کرده‌ایم؛ در غیر این صورت، نام را تنها به همان صورتی که در مراجع آمده بود حفظ کرده‌ایم» (ص ۱۷). از آن چه مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که با فرهنگ‌نامه‌ای سر و کار داریم که دست کم، به لحاظ شکلی، از چنین خصوصیتی برخوردار است:

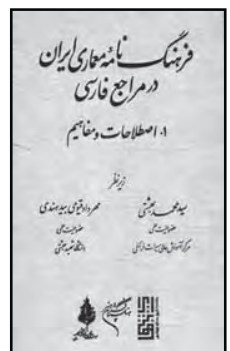
۱. حفظ امانت و نقل عین مطالب از مراجع؛
۲. تلخیص و نقل به مضمون در خصوص مداخل بسیار مفصل و حاوی مطالب نامربوط به معماری و شهرسازی ایران شهر؛
۳. ارجاع مداخل همسان یا مرتبط به یکدیگر.

بررسی

انواع گوناگون مشکلاتی را که در فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی (جلد مختص به اعلام) دیده می‌شود می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: شکلی (صوری) و محتوایی. در هر دو

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
مصلحی تو، ای تو سلطان سخن

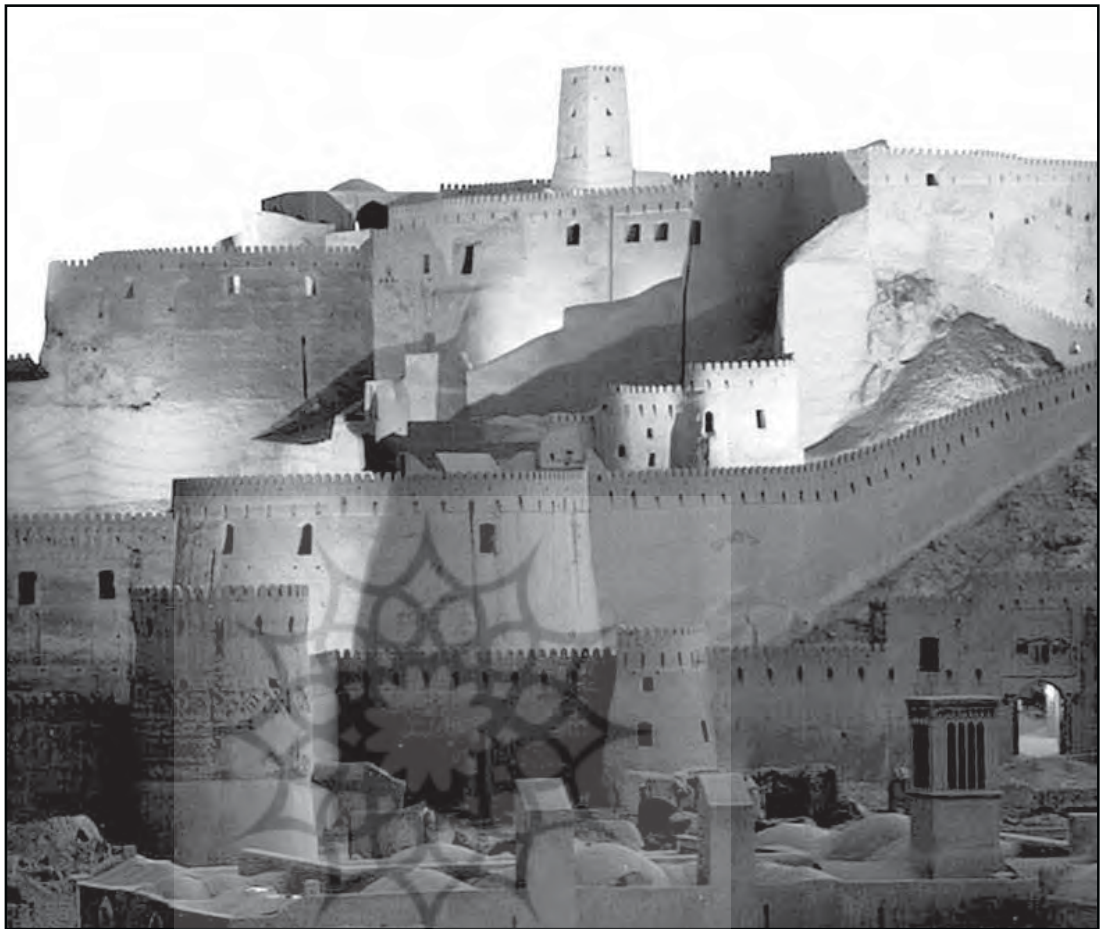
■ بهشتی، سید محمد و قیومی بیدهندی، مهرداد (ناظران): فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی، ج ۲: اعلام، تهران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ۱۳۸۹.



مقدمه

اخیراً مجموعه‌ای از سوی مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن) و دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر، هر دو وابسته به فرهنگستان هنر، با عنوان فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی (در ۲ جلد؛ جلد اول: اصطلاحات و مفاهیم، جلد دوم: اعلام)، زیر نظر آقایان سید محمد بهشتی و مهرداد قیومی بیدهندی منتشر شده است. این فرهنگ‌نامه نخستین محصول طرح دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر است که در سال ۱۳۸۵ در فرهنگستان هنر با حمایت مالی وزارت مسکن و شهرسازی بنیاد نهاده شد. چنان که در مقدمه این کتاب آمده، «از وظایف طرح دانشنامه ایران شهر این است که علاوه بر عرضه مطالب تازه‌ای که پیشتر در اختیار اهل تحقیق نبوده است، دسترس به منابع پیشین را تسهیل کند. بر این اساس، شماری از محصولات جنبی طرح دانشنامه نتیجه سامان‌دهی دوباره و عرضه آثاری است که دیگران، احتمالاً با مقصودها و موضوع‌های دیگر، تهیه کرده‌اند؛ اما در هر صورت، به‌کار محقق تاریخ معماری و شهرسازی ایران شهر می‌آید. از جمله این منابع کتاب‌های مرجع فارسی است» (ص ۱۶). همانطور که از نقل و قول قابل استنباط است، بخش اعظم این فرهنگ‌نامه با گزینش مدخل‌هایی مرتبط به موضوع آن از شش کتاب مرجع فارسی گردآوری شده است. این مراجع عبارتند از لغت‌نامه دهخدا، دائرةالمعارف فارسی غلامحسین مصاحب، فرهنگ فارسی معین، دانشنامه جهان اسلام، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران. در مقدمه کتاب تصریح شده که «این شناسایی و گزینش مدخل‌های مرتبط به معماری و شهرسازی از میان هزاران مدخل این مراجع بر مبنای نگرش دانشنامه ایران شهر به معماری و شهر و تاریخ معماری در

این فرهنگ‌نامه
نخستین محصول
طرح دانشنامه تاریخ
معماری ایران شهر
است که در سال
۱۳۸۵ در فرهنگستان
هنر با حمایت مالی
وزارت مسکن و
شهرسازی بنیاد
نهاده شد



دسته، کاستی‌ها و خطاها، به لحاظ کمیت و کیفیت، چنان پرشمار و متنوع‌اند که «دلیل وجودی» این فرهنگ نامه را به پرسش می‌کشند.

۱. اشکالات صوری

حد اقل آن چه از هر فرهنگی به لحاظ شکلی انتظار داریم ضبط املائی صحیح مداخل، نقل دقیق و صحیح از مراجع دیگر (در صورت نقل از آنها)، پرهیز از تکرار و ارجاع مداخل یکسان به یکدیگر، غلط‌های چاپی اندک، رسم‌الخط هماهنگ، ارجاعات منظم و صحیح، و، دست کم، ترتیب الفبایی درست است. باید گفت که متأسفانه حتی یکی از این شروط در فرهنگ نامه معماری ایران به درستی رعایت نشده است.

ضبط نادرست مدخل‌ها و نقل مغلوط از کتاب‌های مرجع

در این فرهنگ‌نامه، شماری از مدخل‌ها اصلاً نادرست ضبط شده‌اند (در حالی که در مراجع اصلی ضبط درستی دارند) و به همین صورت‌های نادرست ترتیب الفبایی یافته‌اند. مثال‌های زیر را ملاحظه کنید:

• نام ابوعباده ولید ابن عبید بختری (۲۰۶-۲۸۴ ق)، شاعر عرب و سراینده قصیده معروفی درباره ایوان مدائن، در فرهنگ

در این فرهنگ‌نامه، شماری از مدخل‌ها اصلاً نادرست ضبط شده‌اند (در حالی که در مراجع اصلی ضبط درستی دارند) و به همین صورت‌های نادرست ترتیب الفبایی یافته‌اند

نامه به صورت بختری (با «خ») ضبط شده و به همین شکل مرتب شده است (ص ۱۳۵)، حال آن که آشکارا در مرجع مورد استناد، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ضبط درستی دارد.

• عنوان کتاب **مُرُوج الذهب**^۲، اثر معروف ابوالحسن علی ابن حسین مسعودی به خط **مُرُوج الذهب** (با راء مفتوح و واو مشدد) ضبط شده (ص ۵۵۸)، ولی در مرجع اصلی چنین خطای منکری نیامده است.

• در مدخل «خلیج فارس» (ص ۲۶۱) آمده است: «خلیج فارس نام خلیج فارس در مآخذ اسلامی که بعضی از جغرافی‌دان‌های دوره اسلامی آن را به تمام اقیانوس هند اطلاق کرده‌اند و برخی دریای عمان را جزء آن شمرده‌اند». ولی با رجوع به مرجع اصلی

(دائرةالمعارف فارسی) معلوم می‌شود که بایستی در اصل چنین ذکر می‌شد: بحر فارس نام خلیج فارس در مآخذ اسلامی...

• نام حقیق از انبیای بنی اسرائیل به نقل از دانشنامه جهان اسلام در مدخل «حقیق نبی، مزار» (ص ۲۵۱) با حرف «ی» آمده و مرتب شده، حال آن که در مرجع اصلی با «ب» ضبط شده است.^۴

متأسفانه تعداد ضبط نادرست مدخل‌ها از اینها بیشتر است، ولی باید گفت که چنین خطاهایی تنها در مدخل‌های اصلی روی نداده، بلکه گاه در ذیل برخی از مدخل‌ها نیز اشتباهات حیرت‌آوری به وقوع پیوسته است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

• ذیل مدخل «باربیه دو منار»، خاورشناس فرانسوی، به نقل از دایره‌المعارف فارسی می‌خوانیم: «از آثارش... ترجمه فارسی المنقذ من الضلال است» (ص ۱۱۱). ولی می‌دانیم که کتاب معروف ابوحامد غزالی المنقذ من الضلال (رهاینده از گمراهی) نام دارد و در دایره‌المعارف فارسی، که مرجع مورد استناد این مدخل است، نیز

**بخش اعظم این فرهنگ نامه با
گزینش مدخل‌هایی مرتبط به موضوع
آن از شش کتاب مرجع فارسی
گردآوری شده است**

همین عنوان آمده است.^۵

• ذیل مدخل «مانیشئوسو»، شاه اکد، به نقل از دایره‌المعارف فارسی می‌خوانیم: «در موزه لوور پاریس چند مجسمه از این شاه و یک مسله از جنس دیوریت (شولتروک ناخوتنه) وجود دارد...» (ص ۵۴۳). ضبط صحیح نام مذکور در میان دو قوس شولتروک ناخوتنه، شاه عیلام، است که در مرجع اصلی با پیکان به نامش ارجاع داده شده است: (← شولتروک ناخوتنه).^۶ ولی فرهنگ نامه با حذف علامت ارجاع و ضبط نادرست این نام به صورت شولتروک ناخوتنه - که هیچ مدخلی در فرهنگ نامه به آن اختصاص نیافته - چه بسا خواننده را به این گمان باطل بیندازد که شولتروک ناخوتنه نام دیگر دیوریت است!

• ذیل مدخل «غیاث الدین جمشید کاشانی»، باز به نقل از دایره‌المعارف فارسی، چنین آمده است: «... از آثارش مفتاح الحساب و نزهت المناطق و سلم السماء است» (ص ۴۴۳). ولی با رجوع به منبع مورد استناد درمی‌یابیم که غیاث‌الدین کاشانی هیچ اثری به نام «نزهت المناطق» ندارد، بلکه از اختراعاتش «اسبابی است موسوم به طبق المناطق برای شناسایی تقاویم و عرض‌های ستارگان، که شرح آن را در رساله نزهة الحدائق (که به ضمیمه مفتاح‌الحساب چاپ شده) آورده است».^۷ چنان که پیداست،

گردآورندگان فرهنگ نامه بخش دوم نام اختراع غیاث‌الدین را با بخش اول نام رساله‌اش درآمیخته و کتاب جدیدی منسوب به او ساخته‌اند. حقا که این نیز، در نوع خود، اختراع بدیعی است! همین مثال‌های معدود کافی است تا نشان دهد که خواننده تا چه حد می‌تواند به این کتاب «به منزله ناقل امانت‌دار مطالب کتاب‌های مرجع اعتماد کند».^۸

۱-۱. مداخل تکراری

برخلاف آنچه در مقدمه فرهنگ نامه نوید داده شده است که «مداخل مربوط یا یکسان را به هم ارجاع کرده‌ایم»^۹، تکرار مکررات و شرح‌های مفصل مدخل‌های یکسان، بدون استفاده واقعی از ارجاع متقابل، که مطالب تکراری را کاهش می‌دهد، به وفور در این کتاب دیده می‌شود. همه مثال‌هایی که در زیر می‌آوریم، ضبط‌های گوناگونی از مدخل‌های یکسان‌اند و هر یک به تنهایی در جای خود، بدون استفاده از ارجاع متقابل، شرح داده شده است:

اوزبک(ص ۹۴) / ازبک(ص ۵۸)؛

ارومیه(ص ۵۸) / رضائیه(ص ۲۹۰)؛

بوشنچ(ص ۱۶۶) / پوشنگ(ص ۱۹۰) / فوشنچ(ص ۴۵۶) /

فوشنگ(ص ۴۵۶)؛

بشاپور(ص ۱۴۵) / بیشاپور(ص ۱۷۷) / شاپور(ص ۳۴۳)؛

تبرک، قلعه(ص ۱۹۹) / طبرک، قلعه(ص ۳۹۵)؛

ترشیز(ص ۲۰۵) / طرشیز(ص ۳۹۸) / طریث(ص ۳۹۹)؛

تفرش(ص ۲۰۶) / طبرس(ص ۳۹۴) / طبرش(ص ۳۹۴)؛

خرمیش(ص ۲۵۹) / خرمیش(ص ۲۶۰)؛

راجس(ص ۲۸۳) / راجس(ص ۲۸۳) / ری(ص ۲۹۶)؛

شهر طوس(ص ۳۶۳) / طوس(ص ۴۰۱)؛

عقرقوف(ص ۴۲۶) / عقرقوف، تل(ص ۴۲۶)؛

قومس(ص ۴۸۲) / کومش(ص ۵۱۰)؛

هاترا(ص ۶۳۳) / هتره(ص ۶۳۵).

از موارد جالب دو مدخل یکسان «صدرالدین» و «صدرالدین خجندی» است که به فاصله یک مدخل از یک دیگر در پی هم آمده و هر دو در شرح حال صدرالدین خجندی از بزرگان مذهب شافعی‌اند (ص ۳۷۹). تعداد این مداخل تکراری به‌اندازه‌ای است که با حذف آنها بخش قابل توجهی از حجم فرهنگ نامه کاسته می‌شد.

۲-۱. غلط‌های چاپی، رسم‌الخط ناهمگون و ارجاعات آشفته

وجود غلط‌های چاپی بسیار در فرهنگ نامه از کاستی‌هایی است که معمولاً در چنین کتاب‌هایی انتظارش را نداریم، به ویژه هنگامی که به جز اشراف مؤسسه متن بر چاپ کتاب، دست کم، چهار ویراستار بر آماده‌سازی فرهنگ نامه نظارت داشته‌اند. اما این غلط‌ها گاهی کاملاً گمراه کننده‌اند؛ مثلاً ذیل مدخل «الوامر العلانیة فی الامور العلانیة» (ص ۹۳) به جای سلاجقه روم، به خطا، سلاجقه دوم



وجود غلظت‌های چاپی بسیار در فرهنگ نامه از کاستی‌هایی است که معمولاً در چنین کتاب‌هایی انتظارش را نداریم، به ویژه هنگامی که به جز اشراف مؤسسه متن بر چاپ کتاب، دست کم، چهار ویراستار بر آماده‌سازی فرهنگ نامه نظارت داشته‌اند

آمده، یا در مدخل «کتاب الخراج» (ص ۴۹۹) نام ابن خردادبه اشتباهاً ابن خرداد، یا در مدخل «ماوسولوس» (ص ۵۴۳) ساتراپ‌ها به صورت ساتراپما ذکر شده است.

در مقدمه فرهنگ نامه آمده است: «اما گردآوردن مطالبی از مرجع‌های گوناگون با ضوابط و رسم‌الخط و نشانه‌های متفاوت موجب آشفتگی خواننده می‌شد. از این رو، مطالب منقول را فقط از نظر فنی (کوته‌نوشت‌ها و نشانه‌ها و رسم‌الخط) ویراسته و یکدست کردیم» (ص ۱۷). گردآوردندگان کتاب به این وعده خود نیز وفا نکرده‌اند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

تبرستان، ذیل «کجور» (ص ۵۰۱) و طبرستان ذیل «گیلان» (ص ۵۰۳):

طخارستان و تخارستان هر دو ذیل «طخارستان» (ص ۳۹۷) و تخارستان ذیل «تخارها» (ص ۲۰۲):

حموربی ذیل «شوش» (ص ۳۵۹) و «حامورابی» (ص ۲۴۸):

«سوزیان» (ص ۳۳۸) و سوسیانا ذیل «شوشن» (ص ۳۶۰): «ایلام»^{۱۰} (ص ۹۹) و «عیلام»، (ص ۴۳۵).

در موارد بسیاری، از کوته‌نوشت‌ها، که فهرستشان در ص ۱۸ آمده، نیز به درستی استفاده نشده است.^{۱۱}

ارجاعات نیز گاه در فرهنگ نامه وضعیتی آشفته دارند. گاهی مدخلی به خودش ارجاع داده شده (مثلاً «فوژگرد») و گاه مدخل یا مدخل‌هایی به مدخل دیگری که در فرهنگ نامه موجود نیست برگردانده شده است (مثلاً «سابور بن سهل» به شاپور بن سهل ارجاع داده شده ولی مدخل شاپور بن سهل اصلاً وجود ندارد؛ «هاترا» و «هتره» هر دو به الحضر برگردانده شده‌اند، ولی الحضر در فرهنگ نامه نیست؛ «ابن بابویه» (ص ۳۸) به شیخ صدوق ارجاع داده شده ولی نه مدخل «شیخ صدوق» و نه مدخل «صدوق»، شیخ» در کتاب موجود نیست).

۱-۴. توالی الفبایی نادرست

کمترین انتظار خواننده از هر فرهنگی ترتیب الفبایی درست آن است، ولی این انتظار بجا نیز در فرهنگ نامه برآورده نشده است. مثلاً به توالی الفبایی نادرست مداخل زیر توجه کنید:

صص ۱۹-۲۰: آب زال؛ آب زندگانی؛ آب زندگی؛ آب علی؛ آبادان؛ آباه

صص ۴۱-۴۲: ابواسحاق، پل؛ ابوموسی؛ ابوالاسوار شاور بن فضل، ابوالبیان

ص ۹۴: اولیا چلبی؛ اولیاءالله آملی؛ اویس جلاپیر

ص ۱۰۳: بابا کمال؛ بابا کلک؛ بابا کوهی

صص ۱۹۷-۱۹۸: تاریخ و صاف، تاریخ یزد؛ تاریخ یمینی؛ تاری خانه، مسجد؛ تاریخ نامه هرات

ص ۲۷۲: دره گز؛ درخانه؛ دروازه دولت، مسجد و مدرسه

صص ۳۶۹-۳۷۰: شیخ لطف‌الله، مسجد؛ شیخ نورالدین، عمارت؛



کاستی‌های عمده
فرهنگ نامه معماری
ایران در مراجع
فارسی در گزینش
مواد و در محتویات آن
نهفته است

• شیخ هرندی، خانه؛ شیخ‌الاسلام، خانه؛ شیخخانه ور؛ شیخ شعیب صص ۳۶۳-۳۶۴: شهر وزیر؛ شهرآب؛ شهرآباد.^{۱۲}
• ذیل مدخل «بطلمیوس سوم» (ص ۱۴۹) از بطالسه مصر قدیم کمترین اشاره‌ای به معماری نشده است، چه رسد به معماری ایران.

۲. اشکالات محتوایی

• «شیث» (ص ۳۶۵) نام پسر سوم آدم ابوالبشر است، و مدخل اختصاصی به او هیچ پیوندی با معماری ایران ندارد.
• مدخل مربوط به «مدنی شیرازی» (۵۵۲)، عالم شیعی زاده مدینه و صاحب آثاری در زمینه لغت عرب، رجال و شرح صحیفه سجادیه، کمترین ارتباطی به معماری ندارد.
• ذیل مدخل اختصاصی به «ابن یونس» (ص ۴۱) می‌خوانیم: «فقیه حنبلی و وزیر الناصر لدین‌الله^{۱۳} عباسی. یکی از کارهای ناپسند او ویران کردن خانه شیخ عبدالقادر گیلانی و نیش قبر او و سرگردان ساختن فرزندانش بود». پرسش این است این مطالب به معماری، آن هم به معماری ایران بزرگ، چه ربطی دارد، مگر آن که بگوییم تخریب خانه عبدالقادر گیلانی از عرفای سده ششم ق. در بغداد بالاخره نوعی فعالیت معمارانه است!
• در مدخل مربوط به «ارژنگی، میر مصور» (ص ۵۶)، نقاش تبریزی، آمده است: «از دو سالگی شروع به نقاشی کرد. در طول عمر متجاوز از هشتاد سال، تابلوهای متعدد با رنگ و روغن و آبرنگ به وجود آورد. از معروف‌ترین آنهاست: حمله نادر به هندوستان و شاپور والرین، امیر کبیر و تابلوهای رضاشاه». ولی هیچ ذکری از معماری نیست.

اما کاستی‌های عمده فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی در گزینش مواد و در محتویات آن نهفته است. با آن که در مقدمه کتاب تصریح شده که گزینش مدخل‌های مرتبط به معماری طی پژوهشی دو ساله صورت گرفته است، بروز خطاهای فاحش در انتخاب مدخل‌ها، خواننده را سخت شگفت‌زده می‌سازد. بسیاری از این مدخل‌ها یکسره نامرتبط به موضوع معماری و شهرسازی‌اند و بسیاری دیگر به هیچ روی در محدوده جغرافیایی ایران بزرگ (جهان ایرانی، ایران-شهر)، آن چنان که در ص ۱۵ از مقدمه کتاب تعریف شده است، نمی‌گنجد. ارائه اطلاعات مبهم و ناقص از دیگر کاستی‌هایی است که خواننده را از رجوع به مراجع اصلی بی‌نیاز خواهد کرد. از عجایب فرهنگ نامه آن است که در آن از اختصاص مدخل‌هایی به بدیهی‌ترین موضوعات یا اشخاص مرتبط به معماری و شهرسازی غفلت شده، ولی در عوض، از مدخل‌هایی یک‌سره نامرتبط به موضوعش انباشته است. در این جا به نمونه‌هایی از یکایک این کاستی‌ها اشاره می‌کنیم.

۲-۱. خطا در گزینش مدخل

بسیاری از مدخل‌ها به معماری، یا به ایران بزرگ، یا به هیچ یک از این دو کمترین ارتباطی ندارند.
• در مدخل «بلیناس» (ص ۱۵۷)، حکیم رومی - که احتمالاً همان آپولونیوس پرگایی ریاضی‌دان است - خواننده هر چه می‌جوید تا نشانی از معماری یا معماری ایران بیابد ناکام می‌ماند.

این کلمات (یا به شکل‌های دیگری چون «علائیه، مجموعه» / «سلمانیه، مجموعه») اختصاص نیافته، این مطالب در نظر خواننده گنگ و مبهم می‌نماید.^۴

• ذیل مدخل «ابن وردی، ابوحفص زین‌الدین» (ص ۴۱) می‌خوانیم: «کتابی با عنوان خریده العجائب که نوعی کتاب جغرافیا و تاریخ کم ارزش است به ابن وردی نسبت داده شده است که سال‌ها مورد توجه خاورشناسان قرار داشت و چاپ‌های مختلفی از همه کتاب یا بخش‌هایی از آن صورت گرفته است». اما این اطلاعات ناقص است، چه در مرجع اصلی (دائرة المعارف بزرگ اسلامی) در ادامه این مطالب چنین آمده است: «اما امروزه محققان متفق‌اند که این اثر نه از زین‌الدین ابن وردی که از سراج الدین ابو حفص عمر ابن وردی است».^{۱۵}

در پاره‌ای از مداخل تعارض آشکاری در اطلاعات منقول از مراجع مختلف دیده می‌شود، ولی گردآورندگان به هیچ روی در رفع این نقیض گویی‌ها نکوشیده‌اند؛ مثلاً در مدخل «بختگان،

به موضوعات متفرقه دیگری مرتبط است. نمونه شاخص چنین مداخلی مدخل مربوط به «شفتی، سید محمد باقر»، از روحانیون متمکن شیعه، (صص ۳۵۲-۳۵۵، در بیش از ۳۵۰ سطر) است. تمام آن چه از این مدخل طولانی شاید به معماری مربوط باشد آن است که وی مسجدی در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاد (مسجد سید) و دارای املاک فراوان بود. اما حجم مطالب آن حدود سه برابر مطالب مذکور در مدخل اختصاصی به شاه «عباس اول صفوی» (ص ۴۱۲-۴۱۳)، از بزرگ‌ترین حامیان معماری، است.

برای حسن ختام این بخش، به یکی دیگر از این مداخل‌های نامربوط، اشاره می‌کنم. در مدخل مفصل «شوریده شیرازی»، شاعر نابینای سده چهاردهم ق، از همه چیز جز معماری سخن رفته و شرحی طولانی (در ۴۰ سطر) از ترنم او برای تشخیص کم کاری نوکران خانه در نظافت اتاقش آمده است. در پایان این مدخل، شعری سروده شوریده شیرازی ذکر شده که به راستی وصف حال ما پس از خواندن این مطالب نامرتب است: در هوای تو معلق شده ام همچو هبا...!

۲-۲. ابهام یا نقص مطالب و تعارض در اطلاعات

در بسیاری از مداخل‌ها، مطالب چنان مبهم یا ناقص ارائه شده‌اند که خواننده را به سرگشتگی دچار می‌سازند؛ و او برای فهم موضوع ناگزیر از رجوع به مراجع اصلی خواهد بود. مثال‌ها را ببینید:

• ذیل مدخل «فنا خسروگرد» (ص ۴۵۶) می‌خوانیم که عضدالدوله حومه‌ای در بیرون شهری ساخت و آن را گرد فناخسرو نام نهاد. در سراسر این مدخل معلوم نمی‌شود که آخر این فناخسروگرد در حومه چه شهری ساخته شد (در مدخل «عضدالدوله دیلمی» معروف به فناخسرو نیز ذکری از این شهر و حومه‌اش نرفته است). تنها با آگاهی پیشین یا با رجوع به مرجع مورد استناد می‌توان دریافت که این شهر شیراز بوده است.

• ذیل مدخل «داراگرد» (ص ۲۶۷) آمده است: «همان داراگرد است»، ولی هیچ مدخلی در فرهنگ نامه به داراگرد (یا معربش دارابگرد) اختصاص نیافته، هرچند که به پاره‌ای از شهرهای کوچک ناحیه کهن داراگرد، چون «فنسجان» (ص ۴۵۶)، مدخل‌هایی اختصاص داده شده است. جالب این‌جا است که در دایره‌المعارف فارسی، از مراجع مورد استناد فرهنگ نامه، به تفصیل درباره داراگرد سخن رفته (ج ۱، ص ۹۳۵)، ولی این‌جا مطلبی درباره‌اش نیامده است.

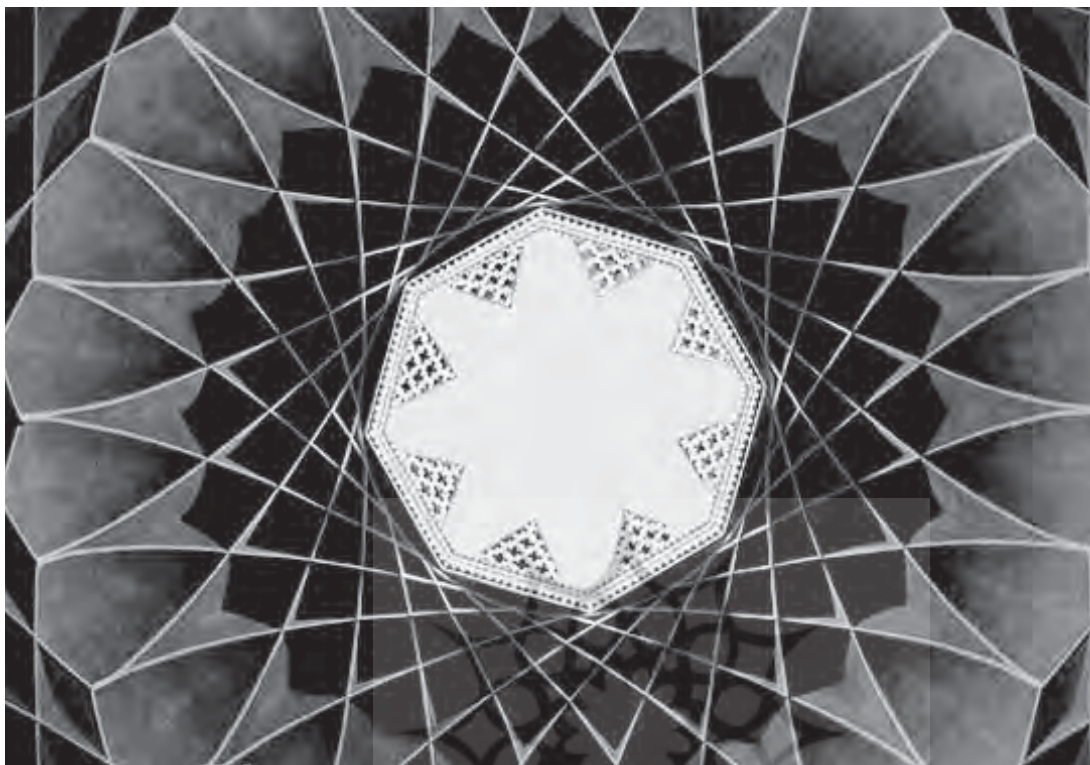
• برای دو مدخل «صیرفی، خواجه عبدالله» (ص ۳۸۵) و «بنده گیر، حاجی محمد» (ص ۱۶۳) شرح یکسانی آورده شده است، بدین قرار: «درباره سبب نام گذاری آن [مجموعه علائیه یا سلمانیه] به استاد-شاگرد گفته اند که چون کتیبه‌های آن‌جا نوشته استاد خط خواجه عبدالله صیرفی و شاگردش محمد بنده گیر بوده‌اند، به این نام شهرت یافته است». آوردن مجموعه علائیه یا سلمانیه میان دو قالب نشان می‌دهد که این کلمات از افزوده‌های گردآورندگان فرهنگ نامه است، ولی از آن‌جا که هیچ مدخلی به

بخش عمده‌ای از اعلام مذکور در فرهنگ نامه اسامی خاص جغرافیایی‌اند. اما، در این میان، مناسبتی برای درج برخی از این اعلام در فرهنگ نامه نمی‌یابیم

دریاچه» (ص ۱۳۵)، موقعیت این دریاچه، به نقل از مراجع مختلف و معاصر، ۵۰ کیلومتری شرق شیراز (دائرةالمعارف فارسی و فرهنگ معین) و ۸۵ کیلومتری شرق شیراز (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی) تعیین شده است. ذیل «اولیا چلی» (ص ۹۴)، به نقل از دائرةالمعارف فارسی، او «نویسنده‌ای خیال پرداز است و افسانه گویی را به حقایق خشک تاریخی ترجیح می‌دهد و از افراط در مبالغه باکی ندارد» و همو، به نقل از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، «مشاهدات خود را درباره شهرها، کشورها، تاریخ، فرهنگ، جغرافیا ... به تفصیل و با دقت بسیار و به زبانی ساده در ده جلد به رشته تحریر در آورد». شگفت‌آور این است که هر یک از این نقیض گویی‌ها ذیل مدخل واحدی روی داده است. حتی اگر بپذیریم که در آثار تحقیقی، بر نقل نظرات متعارض خرده نمی‌توان گرفت، بی شک وجود این تناقضات در کتاب‌های مرجع، چون این فرهنگ نامه، نقیضه‌ای بزرگ شمرده می‌شود.

۲-۳. مشکل برخی از اعلام جغرافیایی

بخش عمده‌ای از اعلام مذکور در فرهنگ نامه اسامی خاص جغرافیایی‌اند. اما، در این میان، مناسبتی برای درج برخی از این اعلام در فرهنگ نامه نمی‌یابیم. ذکر نام‌های رشته کوه‌ها



«کارون» و «ارس» انتخاب شده، ولی سفیدرود (قزل اوزن) و اثرک کنار گذاشته شده‌اند، هر چند که «عبدان» (ص ۴۱۸)، نه‌ری در بصره در جانب فرات از مدخل‌های فرهنگ نامه برشمرده شده است.

۲-۴. عدم انتخاب مدخل‌های مهم

چنان‌که گذشت، فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی از مدخل‌های نامرتبط به موضوعش انباشته است، ولی از درج پاره‌ای از مهمترین و، به تعبیری، واجب‌ترین مدخل‌ها هم در آن غفلت شده است. مثلاً در فرهنگ نامه به قوام‌الدین شیرازی، از نامورترین معماران تاریخ ایران، معمار مسجد گوهر شاد و بسیاری از بناهای مهم دیگر، مدخل مستقلی اختصاص نیافته است.^{۱۶} بسیاری از مهم‌ترین آثار معماری ایران بزرگ نادیده گرفته شده‌اند و در فرهنگ نامه دارای مدخل نیستند، ولی در مقابل به چنین مدخلی در فرهنگ نامه معماری ایران برمی‌خوریم (ص ۸۱): «الغ ایف این کلمه در تاریخ جهانگشای جوینی در موارد متعدد آمده است و چنین می‌نماید که نام کسی یا اردویی به نام همان کس بوده است».

سخن پایانی

خصوصیت مهم و متمایز کتاب‌های فرهنگ «قابل اعتماد بودن» آنها است. انتشار فرهنگ نامه‌ای انباشته از کاستی‌ها و خطاها، بی‌شک، آسیب کلانی بر جامعه مخاطبانش وارد می‌آورد. از سویی، خوانندگانی را که به آن اعتماد می‌کنند و آن را موقوت می‌پندارند را

**فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی
از مدخل‌های نامرتبط به موضوعش انباشته
است، ولی از درج پاره‌ای از مهمترین و،
به تعبیری، واجب‌ترین مدخل‌ها هم در آن
غفلت شده است**

و کوه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها، و رودها و نه‌رها، از آن رو که از آثار معماری شمرده نمی‌شوند، در فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی چندان موجه نمی‌نماید. با این حال، مداخل متعدد و گاه بسیار مفصلی به اینها اختصاص یافته است. ای بسا گردآورندگان فرهنگ نامه، در مقام پاسخ‌گویی، دلایل چندی برای گنجاندن چنین مداخلی در کتاب برشمارند، و گیریم که این دلایل جملگی مقبول و موجه باشند. اما این پرسش باقی است که اگر بایستی چنین اعلامی در این کتاب گنجانده می‌شد، پس چرا اینها به شیوه‌ای بس تبعیض‌آمیز برگزیده شده‌اند. به «فرات» (ص ۴۴۸) مدخلی اختصاص یافته، ولی دجله، که زمانی پایتخت کهن ایران که تیسفون بر کناره‌اش قرار داشت (و در نتیجه، بی‌شک در قلمرو ایران شهر یا ایران بزرگ جاری بود) همچون مدخل برگزیده نشده، و این در حالی است که به «کاپریوس» (ص ۴۸۶) یا زاب سفلی، از ریزابه‌های دجله مدخلی اختصاص یافته است. «البرز» از مداخل فرهنگ نامه است، ولی زاگرس، کوه‌رنگ، زردکوه و تفتان نیستند.



گفت که به جز سه مثال نخست و، احتمالاً، مثال آخر، چنان که پیداست، کلمات به ترتیب واژه به واژه نیز تنظیم نیافته اند، ضمن آن که در فرهنگ نامه نمونه های واضح دیگری نیز می توان یافت که در آنها ترتیب الفبایی واژه به واژه آشکارا رعایت نشده است، مثلاً در صص ۳۶۳-۳۶۴: شهر کهنه؛ شهر ماهرویان؛ شهر مبارک؛ ...؛ شهرضا؛ شهرک؛ شهرک نو؛ شهر کرد. اگر ترتیب الفبایی واژه به واژه مد نظر بود، "شهر کرد" می بایست پیش از "شهر کهنه" می آمد.

۱۳- نام این خلیفه عباسی نیز در متن به خطا به صورت «الناصر الدین الله» آمده بود که در این جا تصحیح شد.

۱۴- این مجموعه، شامل مسجد و مدرسه، به امر علاءالدین شیخ حسن کوچک در ۷۴۱-۷۴۳ ق. در تبریز ساخته و به نام بانی اش علائیه خوانده شد.

۱۵- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، «ابن وردی، ابو حفص زین الدین»

۱۶- ممکن است ادعا شود که در مراجع مورد استناد مطالبی درباره قوام الدین شیرازی وجود نداشته است، ولی باید گفت چنین نیست، زیرا مثلاً در جلد پنجم گنجنامه ذیل مدخل «خرگرد» از قوام الدین نام برده و آثارش وصف شده است.

۱۷- خلاصه این نقد، اندکی پس از انتشار فرهنگ نامه، برای یکی از ناظران محترم آن ارسال شد، ولی تا این زمان پاسخی در خصوص نقد دریافت نشده است.

می فریید، از سوی دیگر، شعور خوانندگان آگاه ترش را به ریشخند می گیرد. فرهنگ‌نگاری اطمینان بخش ترین شیوه نگارش است، شیوه‌ای که مخاطبان را، کمابیش چشم بسته، به پذیرش مطالب فرامی خواند. حال اگر به فرهنگ نامه‌ای نتوان اعتماد کرد و هیچ یک از اصول اولیه فرهنگ‌نگاری در آن رعایت نشده باشد ناگزیر باید گفت که فرسنگ‌ها تا فرهنگ فاصله دارد. ۱۷

پی‌نوشت‌ها

۱- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ذیل «بحتری»

۲- مُرُوج جمع واژه مَرَج به معنای مرغزار، و معنای نام کتاب «مرغزارهای زر» است.

۳- دائرةالمعارف فارسی، ذیل «بحر فارس»، ج ۱، ص ۳۹۱

۴- دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، ذیل «تویسرکان»؛ قس. همان، ج ۱۲، ذیل «حقوق». البته این مزار نزد عامه مردم به بقعه حقیوق نبی نیز معروف است، ولی این ضبط اصیلی نیست؛ و در هر حال، باید ضبط صحیح، به نقل از کتاب مرجع، اصل قرار می گرفت.

۵- دائرةالمعارف فارسی، ذیل «باربیه دو منار»، ج ۱، ص ۳۶۶

۶- همان، ذیل «مانیشوسو»، ج ۲، ص ۲۶۳۰

۷- همان، ذیل «غیاث الدین جمشید کاشانی»، ج ۲، ص ۱۸۱۷

۸- فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی، مقدمه جلد دوم، ص ۱۷

۹- همان جا

۱۰- در بخش پایانی این مدخل آمده است: «ایلام یا سوزیان دولت قدیم و همسایه کلد، پایتخت آن شوش بود».

۱۱- در بسیاری از مداخل، کومه نوشت دح (به معنای دوره حیات) به کار رفته، ولی فقط تاریخ وفات ذکر شده که بایستی، به جای آن، از کومه نوشت ف (به معنای فوت) در مورد آنها استفاده می شد، مثلاً در این مداخل: ابو حاتم سجستانی، ابو ایوب موریانی، ابوتراب ولی، ابو عمیث، ابونصر فارسی، ارغون کاملی، اسد بن عبدالله قسری، اسدالله شیرازی و اسد کاشی. در مورد مدخل اخیر نکته جالب این جا است که این مدخل به بقعه اسد کاشی مربوط است: «اسد کاشی، بقعه»، ولی بی درنگ تاریخ فوت خود اسد کاشی در پی آمده است!

۱۲- آشکار است که در این مداخل ترتیب الفبایی (به صورت حرف به حرف) رعایت نشده است، ولی چنانچه ادعا شود که این مداخل به ترتیب واژه به واژه (نه "حرف به حرف") منظم شده اند، باید

مأخذ

بهشتی، سید محمد و قیومی بیدهندی، مهرداد (ناظران): فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی، ج ۲: اعلام، تهران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ۱۳۸۹

حاجی قاسمی، کامبیز (ناظر): گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی

حداد عادل، غلامعلی (ناظر): دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵

مصاحب، غلامحسین (ناظر): دائرةالمعارف فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰

موسوی بجنوردی، محمد کاظم (ناظر): دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵